

کتاب سوزان - دانشمند گُشان

« در نامه تنسر چنین آمده است :

... اسکندر گجستک از کتب دین ما دو هزار پوست گاو بسوخت باصطخر ...

مسعودی ... نیز گفته است که کتاب اوستا بر دوازده هزار پوست گاو نوشته بوده است . «

در ارداویراف نامه آمده است که « گجسته اهریمن ، آن گجسته اسکندر رومیِ مصری مسکن را گمراه کرد ، که با ستم و نبرد و زیانِ گران به ایرانشهر آمد ، آن شاهِ ایران را بکشت و دربار و شاهی را بیاشفت و ویران کرد و این دین ، از جمله همه ی اوستا و زند را (که) بر پوستهای پیراسته ی گاو ، به آب زر نبشته ، اندر استخرِ پاپکان به دژِ نبشت نهاده بود ، آن پتیاره اهلْموغِ دروندِ بدکردار ، اسکندر رومیِ مصری مسکن ، بر آورد و بسوخت و بسیار دستوران و داوران و هیربدان و موبدان و دین بُرداران و نیرومندان و دانایانِ ایرانشهر را بکشت و درمیانِ مهان و کدخدایان ایرانشهر ، با یکدیگر کین و نا آشتی افکند و خود شکسته ، به دوزخ شتافت. «

«حمزه اصفهانی (سده ۴ ق) در تاریخ اشکانیان آورده است که

چون اسکندر بر سرزمین بابل دست یافت و مردم آنجا را مغلوب کرد ، به علومی که خاص ایشان بود و هیچ یک از ملل جهان بدان دست نیافته بودند حسد برد ، و همه کتابها یی را که بدانها دست یافت سوزانید ، آنگاه به قتل موبدان و هیربدان و دانشمندان و حکیمان و کسانی که در خلال علوم به حفظ سنوات تاریخی خود می پرداختند و حتی عامه مردم اقدام کرد . «

هر کس ستمش بیش بُد او شهره بشد بیش هر کس که فزون کُشت فزون گشت مظفر

« یورش مغول همه چیز را تاراج و همه جا را ویران و صدها هزار تن را وحشیانه کشتار کردند ، کتابها و کتابخانه

های بسیاری در آتش بسوخت . و مدتها تون حمامها را با سوزاندن کتابها گرم نگه داشتند «

در تاریخ وصاف آمده است: چنگیز دستور داد تا بدین جسارت همه را بکشتند حتی جنین در شکم مادر زنده نگذاشتند و

چارپایان را نیز کشتند...

بیرونی خوارزمی آورده است :

« قتیبه بن مسلم هر کس را که خط خوارزمی می دانست از دم شمشیر گذرانید و آنانکه از اخبار خوارزمیان آگاه بودند و این اخبار و اطلاعات را میان خود تدریس می کردند ایشان را نیز به دسته ی پیشین ملحق ساخت بدین سبب اخبار خوارزم طوری پوشیده ماند که پس از اسلام نمی شود آنها را دانست. » برگ ۵۷

بیرونی خوارزمی آورده است : « قتیبه بن مسلم باهلی نویسندگان و هربدان خوارزم را از دم شمشیر گذرانید و آنچه از کتاب و دفتر داشتند همه را طعمه آتش کرد و از آن وقت خوارزمیان امی و بیسواد ماندند و تنها اعتماد ایشان در نیازمندیهای تاریخ به نیروی حافظه است و چون زمان طولانی شد مورد اختلاف خود را فراموش کردند و آنچه را همگی بر آن بودند در خاطر ها بماند . » آثار الباقیه ، برگ ۷۵

ابن خلدون آورده است : « زمانی که کتابهای ایران بدست عرب افتاد . سعدبن ابی وقاص به عمر بن خطاب در باره ترجمه آن کتاب ها نامه نوشت . عمر به او نوشت که آن کتابها را در آب افکند ، چه اگر آنچه در آنهاست راهنمایی است ، خداوند ما را به راهنماتر از آن راهنمایی کرده است و اگر گمراهی است خداوند ما را از شر آن محفوظ داشته است . پس آن کتابها را در آب یا آتش انداختند و بسیاری از علوم ایرانیان که در آن کتب مدون بود از میان رفت و بدست ما نرسید. »

« متاسفانه گنجینهء گرانبهای آثار و کتب ریاضی دانان قبل از اسلام در میان جنگهای مختلف و در چپاول یا غارت و آتش سوزی ها و جزیه گرفتنها از بین رفته و آنچه که از دستبرد زمانه باقی مانده بود در زمان حملهء اعراب و مغول تاراج و نابود گردید . فقط اغلب در لابلای کتابهای انگشت شمار و رسالات جسته و گریخته و سنگ نبشته ها آثاری عمیق و ارزنده که واقعا مایه تعجب و تفکر است مشاهده می شود . »

دیولافوا : مادر حال دزدیدن آثار باستانی ایران برای موزه لوور هستیم - نگاره بالا از کتاب سفر نامه دیولافوا شوالیه لژیون دونور و برنده جایزه آکادمی فرانسه؟! (سفرنامه ، دیولافوا ، برگردان ایرج فره وشی ، چاپ دانشگاه تهران ، ۱۳۷۶ ، برگ

۲۲۷ ، نقاش = دیولافوا . گذشتن از رودخانه کرخه .)

اجنبیانی همه اهل چپو فرقه بر دار و بدزدو بدو (بهار)

آیا شوالیه ها همه دزد و چپاول گر می باشند؟!

اگر کسی برج ایفل را بدزد شوالیه میشود و برنده جایزه آکادمی؟!

چرا همه موزه های عمو زاده های سلمی - پر است از آثار باستانی این سرزمین کهن؟! چرا موزه های ما چنین نیست؟!

آیا نابود کنندگان آثار باستانی این کتابهای نوشته شده هنوز وحشی و دد میباشند؟!

دیولافوا در کتاب خود آورده است:

« دیروز گاو سنگی بزرگی را که در روزهای اخیر پیدا شده است با تاسف تماشا می کردم , در حدود دوازده هزار کیلو وزن

دارد ! تکان دادن چنین توده عظیمی غیر ممکن است . بالاخره نتوانستم به خشم خود مسلط شوم , پتکی بدست گرفتم و

بجان حیوان سنگی افتادم . ضرباتی وحشیانه باو زدم . سر ستون در نتیجه ضربات پتک مثل میوه رسیده از هم شکافت... (از

سفرنامه , دیولافوا , برگردان ایرج فره وشی , چاپ دانشگاه تهران , ۱۳۷۶ , برگ ۲۸۰)»

آیا کورش بزرگ که بردگان یهودی اسیر در بابل را آزاد نمود, پاداشی چنین دارد؟! (تورات باب عزرا)

